

متن پرسش

سلام استاد عزیز و بزرگوار خسته نباشید: استاد مشغول گوش دادن به فایل صوتی شما در تفسیر سوره زمر بودم که اشاره فرمودین به مشکلات و فلسفه این مشکلات در زندگی و اینکه خداوند صاحب عالم هستش، پس اینی که هست میتونست نباشه، پس وقتی این مسائل هست یعنی خبری هست (یعنی اینکه حکمتی در کاره) استاد با این صحبت زندگی خودم یادآوری شد برام که گفتم شاید مطرح کردنش برای اعضاء سایت و کسانی که به این پرسش و پاسخ دسترسی دارن بد نباشه، بنده چندین بار در شرف ازدواج قرار گرفتم و خیلی ساده بهم می خورد یا خودم بهم می زدم و همه اش برام سوال بود که آخه چرا اینجوری طلسم شدم جریان چیه، اون موقع عقاید و باورهام ۱۸۰ درجه با الان فرق داشت، غرق دنیا بودم و اعتقادم این بود که فقط دنیا رو داشته باشم آخرت رو بیخیال و زیادم مهم نیست که چی میشه و فقط چسبیده بودم به دنیا و ظواهرات اون، نماز و روزه رو داشتم اما کلا هم و غم بدبختی و خوشبختی بنده خلاصه شده بود در دنیا و لاغیر، اما بعد کلا تنها شدم، این تنها شدن همانا و معجزه همانا، اصلا نمیدونم چی شد که دنیای درون و بیرون من بطور معجزه آسا و چشم گیری عوض شد که برای همه سوال بود که چرا من یه دفعه عوض شدم، خودم هم خیلی جواب قطعی نداشتم براشون، شدم یه آدم دیگه با باورهای دینی محکم و منطقی، مثل اینکه یه عمر خوابی بودم و تازه بیدار شدم، الان دیگه فقط آخرت رو میخوام و هم و غم من آخرت شده و اگر دنیا رو هم میخوام بخاطر اینه که بتونم بهتر بندگی کنم و در این مسیر سدی سر راهم قرار نگیره، و اگر من با اون عقاید نادرستم ازدواج کرده بودم شاید غرق تر شده بودم که هلاکت خودم رو رقم می زدم و امید نجات زیادی هم قابل تصور نبود، و الان خودم رو سپردم به خدا که خدایا اگر مجرد به نفع من و بندگی منه پس سمعا و طاعتا و اگر تاهل بازم سمعا و طاعتا... این تغییرات رو مدیون لطف و رحمت بی منتهای خداوند هستم که هیچ وقت هم نمی توان از عهده شکرش به در آید. ببخشید استاد اگر طولانی شد.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به نظر بنده همین نگاه که به آن نایل شده‌اید، نگاه ارزشمندی است که کار را در عین توجه عقلانی به جوانب آن به خدا واگذار کنیم و به گفته‌ی جناب مولوی: «زیر دریا خوش بود یا روی آن / مهر او دلکش بود یا قهر آن». موفق باشید